

خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق

بقلم

دکتر محمد مصدق

مشمول بر دو کتاب

«شرح مختصری از زندگی و خاطراتم»

و

«مختصری از تاریخ ملی شدن صنعت نفت در ایران»

با مقدمهٔ دکتر غلامحسین مصدق

به کوشش ایرج افشار

فهرست مندرجات

یادداشت دکتر غلامحسین مصدق
توضیح درباره کتاب و چگونگی چاپ آن: ایرج افشار

کتاب اول شرح مختصری از زندگی و خاطراتم

۲۱	مقدمه
۲۷	فصل اول — تشکیلات مملکت در رژیم قدیم
۳۲	فصل دوم — در تشکیلات وزرات مالیه
۳۸	فصل سوم — در تنظیم کتابچه های دستورالعمل
۴۶	فصل چهارم — اختلاس در رژیم قدیم
۵۲	فصل پنجم — ورود من بخدمت دولت و تحصیلاتم در ایران
۵۸	فصل ششم — انتخاب من از اصفهان برای وکالت مجلس
۶۲	فصل هفتم — عضویت من در مجمع انسانیت
۶۵	فصل هشتم — مسافرت من بقصد تحصیل
۶۸	فصل نهم — تحصیلاتم در پاریس
۷۲	فصل دهم — مراجعتم از اروپا
۷۵	فصل یازدهم — سفر دوم من باروپا
۷۷	فصل دوازدهم — تحصیلات من در سوئیس
۷۹	فصل سیزدهم — تألیف تز دکترا و کارآموزی در دادگستری نوشاتل
۸۲	فصل چهارم — اشتغال من در ایران پس از خاتمه تحصیل
۸۶	فصل پانزدهم — عضویت من در حزب اعتدال

فصل شانزدهم - عضویت من در کمیسیون تطبیق حوالجات ۸۸
 فصل هفدهم - چهارده ماه در معاونت وزارت مالیه ۹۶
 فصل هجدهم - عضویت من در جمعیت دموکرات ضد تشکیلی ۱۱۱
 فصل نوزدهم - سفر سوم من باروفا و مراجعتم از طریق بوشهر به ایران ۱۱۵
 فصل بیستم - انتصابم بایالت فارس ۱۲۱
 فصل بیست و یکم - تصدی من در وزارت مالیه ۱۳۹
 فصل بیست و دوم - انتصاب من بایالت آذربایجان ۱۴۲
 فصل بیست و سوم - مراجعتم از تبریز و انتخابم بریاست انجمن فرعی انتخابات محله دولت ۱۵۸
 فصل بیست و چهارم - انتصاب من بوزارت امور خارجه ۱۶۲

کتاب دوم

مختصری از تاریخ ملی شدن صنعت نفت در ایران

مقدمه

بخش اول: تصدی مقام نخست وزیری ۱۷۱
 فصل اول - وقایعی که سبب شد من کار قبول کنم ۱۷۷
 فصل دوم - علل سقوط دولت من ۱۸۱
 (۱) رل هندرسن ۱۸۵
 (۲) فرمایشات شاهنشاه ۱۸۷
 فصل سوم - تألمات و تأسفات ۱۹۸
 ضمیمه - پیام رادیوئی ۱۷ فروردین ۱۳۳۲ ۲۰۹
 بخش دوم: لایحه دیوان عالی کشور
 فصل اول: کارهای دولت من ۲۲۷
 کلیات ۲۵۷
 - قسمت اول: از نظر سیاسی ۲۳۳
 - قسمت دوم: از نظر مالی ۲۳۵
 - قسمت سوم: از نظر اقتصادی ۲۳۶

- قسمت چهارم: از نظر اجتماعی ۲۳۷
 - استفاده از اختیارات ۲۳۸
 فصل دوم - مبارزه ی دولت انگلیس در مراجع بین المللی ۲۴۱
 فصل سوم - مبارزه ی سیاست خارجی از طریق مجلس ۲۴۵
 - کلیات ۲۴۵
 - قسمت اول: مبارزه ی سیاست خارجی در مجلس شانزدهم ۲۴۶
 - قسمت دوم: مبارزه ی سیاست خارجی در مجلس هفدهم ۲۵۰
 فصل چهارم - مبارزه ی سیاست خارجی از طریق دربار ۲۵۶
 - کلیات ۲۵۶
 - (۱) راجع بانخابات ۲۵۶
 - (۲) راجع باستناد بعضی از اصول متمم قانون اساسی ۲۵۸
 قسمت اول: غائله روزنه اسفند ۲۶۲
 قسمت دوم: کودتای ۲۵ و ۲۸ مرداد ۲۶۷
 فصل پنجم - انتقاد از کارهای دولت من ۲۷۴
 قسمت اول: از ناحیه ی دربار شاهنشاهی ۲۷۴
 قسمت دوم: از طریق مجلس و جرائد ۲۸۴
 نتیجه ۲۹۲
 ضمائم لایحه الحاقی
 ۱ - نامه ۱۹ تیر ۱۳۳۴ دکتر محمد مصدق به دیوان عالی کشور ۲۹۹
 ۲ - نامه ۱۵ مرداد ۱۳۳۴ دکتر محمد مصدق به دیوان عالی کشور ۳۰۰
 ۳ - نامه ۱۷ مرداد ۱۳۳۴ دیوان عالی کشور به دکتر محمد مصدق ۳۰۲
 ۴ - نامه ۱۹ مرداد ۱۳۳۴ دکتر محمد مصدق بریاست دیوان عالی کشور (علی هیئت) ۳۰۲
 ۵ - نامه ۲۲ مهر ۱۳۳۴ دکتر محمد مصدق بریاست دیوان عالی کشور ۳۰۴
 ۶ - نامه ۲۱ بهمن ۱۳۳۴ دکتر محمد مصدق بریاست دیوان عالی کشور ۳۰۷
 ۷ - نامه ۲۰ اسفند ۱۳۳۴ دکتر محمد مصدق بریاست دیوان عالی کشور ۳۱۲
 ۸ - نامه ۲۰ فروردین ۱۳۳۵ دکتر محمد مصدق بریاست دیوان عالی کشور ۳۱۴
 ۹ - نامه ۲۲ فروردین ۱۳۲۵ دادستان آرتش بدکتر محمد مصدق ۳۱۷
 ۱۰ - نامه ۲۵ فروردین ۱۳۳۵ دادستان آرتش به دکتر محمد مصدق ۳۱۸

- ۱۱- نامه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۳۵ دکتر محمد مصدق بوزیر دادگستری (جمال اخوی) ۳۱۹
 ۱۲- نامه ۲۷ خرداد ۱۳۳۵ دکتر محمد مصدق به وزیر دادگستری (گلشائیان) ۳۲۰
 ۱۳- نامه ۲۷ خرداد ۱۳۳۵ دکتر محمد مصدق به سرپرست دیوان عالی کشور (رضا تجدد) ۳۲۳
 ۱۴- نامه ۲ تیر ۱۳۳۵ دادستان آرتش به دکتر محمد مصدق ۳۲۳
 ۱۵- رونوشت نامه دادگاه عالی انتظامی ۳۲۳
 ۱۶- نامه ۵ تیر ۱۳۳۵ دکتر محمد مصدق به دیوان عالی کشور ۳۲۴
 ۱۷- نامه ۶ تیر ۱۳۳۵ دکتر محمد مصدق به دیوان عالی کشور ۳۲۵
 ۱۸- نامه ۱۲ تیر ۱۳۳۵ دیوان عالی کشور (رضا تجدد) به دکتر محمد مصدق ۳۲۵
 ۱۹- نامه ۱۹ تیر ۱۳۳۵ وزیر دادگستری (عباسقلی گلشائیان) به دکتر محمد مصدق ۳۲۶
 ۲۰- نامه ۱۹ تیر دکتر محمد مصدق به دادستان آرتش ۳۲۶
 ۲۱- نامه ۳۱ تیر ۱۳۳۵ دکتر محمد مصدق به دادستان آرتش ۳۲۷
 ۲۲- نامه ۲ مرداد ۱۳۳۵ دادستان آرتش به دکتر محمد مصدق ۳۲۸
 ۲۳- نامه ۷ مرداد ۱۳۳۵ دکتر محمد مصدق به دادستان آرتش ۳۳۰

بخش سوم: عرض جواب بفرمایشات اعلیحضرت همایون شاهنشاه

مقدمه

- ۳۳۳ از فصل سوم کتاب مأموریت برای وطنم
 ۳۳۷ عرض جواب (شماره ۱)
 ۳۳۸ از فصل چهارم کتاب مأموریت برای وطنم
 عرض جواب (شماره ۲)
 ۳۳۹ از فصل پنجم کتاب مأموریت برای وطنم
 عرض جواب (شماره های ۳-۳۸)
 ۳۸۳ از فصل ششم کتاب مأموریت برای وطنم
 عرض جواب (شماره های ۳۹-۴۳)
 ۳۸۸ از فصل هفتم کتاب مأموریت برای وطنم
 عرض جواب (شماره ۴۴)
 ۳۸۹ از فصل دوازدهم کتاب مأموریت برای وطنم
 عرض جواب (شماره های ۴۵-۴۸)

- ۳۹۲ از فصل سیزدهم کتاب مأموریت برای وطنم
 عرض جواب (شماره ۴۹)
 ۳۹۳ ضمیمه نامه استوکس به اتلی نخست وزیر انگلیس
 ۴۰۱ فهرست سالشماری کتاب
 ۴۰۵ فهرست اعلام

مقدمه

کسانی که زندان مجرد را دیده و با آن سرکار داشته اند میدانند که در این مکان آن هم بیک محکوم بی گناه و بی تقصیر چقدر بد و سخت میگذرد. در روزهای اول زندان آنقدر خسته و ناتوان بودم که هیچ چیز جز یک استراحت کامل چاره‌ی دردم را نمیکرد: مبارزه‌ی انتخاباتی دوره ۱۶ تقنینیه - مبارزه‌ی با شرکت نفت انگلیس و ایران - کارهای کمیسیون نفت در مجلس شانزدهم - قبول مسئولیت اداره‌ی مملکت - دفاع در شورای امنیت و دیوان بین‌المللی دادگستری - مخالفت‌های مغرضانه‌ی داخلی - غائله نه اسفند و اشتهار پیش‌آمد غائله‌های دیگر تمام سبب شده بود که با نگرانی بسیاری از هر پیش‌آمد ناگوار انجام وظیفه کنم. کار زیاد و توأم با نگرانی هم هر کسی را خصوصاً من که حال خوشی نداشتم و ضعیف بودم از پای در می‌آورد.

از استراحتم چیزی نگذشت که موضوع دادگاه پیش‌آمد و تمام اوقاتم برای جواب کیفرخواست و مطالبی که در دو دادگاه بدوی و تجدید نظر نظامی ایراد کرده‌ام گذشت و روزی که دادگاه اعلام‌رأی نمود و مرا بسه‌سال حبس مجرد محکوم کرد تنها نه شخص خودم بلکه دستور دهندگان صدور رأی هم باور نمیکردند که من از این زندان جان سلامت بدر برم.

کارم که در این دو دادگاه خاتمه یافت و لایحه فرجامی خود را هم بدیوان کشور دادم دیگر نمیدانستم بچه کاری دست بزنم که مرا مشغول کند. البته هر محکوم خصوصاً محکوم بحبس مجرد میخواهد برای خود اشتغالی فراهم کند تا از شدت آثار این زندگی بکاهد ولی انجام هر کار گذشته از اینکه با حال ضعف و ناتوانی از من ساخته نیست احتیاج بمدرک هم داشت که تهیه آن در زندان برایم میسر نبود.

در این فکر بودم که خود را بچه کار مشغول کنم که از بعضی هموطنان پیامی رسید که خاطرات خود را برشته‌ی تحریر در آورم که این کار نه مشکل بود نه محتاج بمدرک. مشکل نبود چونکه خاطرات از منته‌ی گذشته برای سیاست روز ضرر نداشت. مدرک نمیخواست از این جهت که بیش از خاطراتم نمیخواستم چیزی اظهار کنم و چون

اندیشه‌های هر کس بستگی بامور و مشاغلی دارد که آنها را عهده‌دار بوده است ضمن شرح مختصری از تشکیلات روز مشاغل و خاطرات خود را نیز بیان میکنم تا هموطنان عزیز نه فقط از اندیشه‌های من بلکه از مشاغلی هم که قبل از مشروطه و بعد از آن عهده‌دار بوده‌ام و معرف اوضاع رژیم قدیم و جدید است بی اطلاع نمانند.

مندرجات این وجیزه که به «شرح مختصر از زندگی و خاطراتم» نامیده شده متعلق است بسه دوره از زندگی من بدین قرار:

فصل یک تا هفت مربوط بده سالی است که قبل از مشروطه متصدی استیفای خراسان و حسابداری آن ایالت یا آن استان بوده‌ام.

از هشتم تا سیزدهم مربوط بسالهائی است که بعد از مشروطه در اروپا تحصیل کرده‌ام و فصول بعد تعلق بامور و مشاغلی دارد که بعد از خاتمه تحصیلاتم در ایران عهده‌دار آنها شده‌ام.

از اسفند ۱۳۰۲ که بنمایندگی مردم ایران در مجلس پنجم و ششم انجام وظیفه نموده‌ام بسیاری از خاطراتم را در نطقهائی که در این دو مجلس ایراد شده گفته‌ام و در یک جلد منتشر گردیده است. (۱)

از دوره هفتم به بعد یعنی از سال ۱۳۰۷ که دیکتاتوری باوج قدرت رسید تا شهریور ۱۳۲۰ که افول کرد چون عمرم بعزلت وانزوا گذشت آن هم در یک دهی دور از شهر، جز حزن و غصه چیزی نداشتم که اظهار کنم و چنانچه خاطراتی هم بوده در نطقهائی که در مجلس چهاردهم ایراد شده است گفته‌ام. (۲)

از مبارزه‌ای که در انتخابات دوره پانزدهم تقنینیه بعمل آمد و توفیق حاصل نشد و همچنین مبارزه‌ی انتخابات دوره‌ی شانزدهم تقنینیه که برای چهارمین مرتبه بنمایندگی مردم طهران وارد مجلس شدم و در رأس دولت قرار گرفتم خاطراتم منتشر نشده و در زندان هم وسایلی نیست که منتشر کنم، خصوصاً اینکه یادداشت‌ها و مدارک بسیاری داشتم که در کودتای ۲۸ مرداد و غارت خانه‌ام از بین رفته. با این حال هر جا که مقتضی بوده بمناسبت موضوع از خاطرات این ایام هم کم و بیش استفاده شده است.

در خاتمه خوانندگان عزیز را باین نکته توجه میدهم که از بیان تشکیلات قدیم مقصود تحسین از آن و یا انتقاد از تشکیلات جدید نیست بلکه نظر این است تشکیلات قدیم را شرح دهم تا بتوانند آنها را مقایسه کنند و به نیک و بد هر کدام پی ببرند و نیز توجه هموطنان عزیز را باین نکته جلب میکنم که حتی المقدور سعی کرده‌ام بیدی از کسی نام نبرم تا موجب یأس باز ماندگان نیکوکار را فراهم نسازم.

(۱) «دکتر مصدق و نطقه‌های تاریخی او در دوره‌ی پنجم و ششم تقنینیه»، گردآوری حسین مکی

(۲) «سیاست موازنه‌ی منفی در مجلس چهاردهم» تألیف حسین کی استوان

شرح مختصری از زندگی و خاطراتم

صل اول - سلاطین در رژیم مردم	صل اول - تألیف سزکا از سزکا در زندان
" دوم - سلاطین و سلاطین	" دوم - اشام در ایران پس از مختصر
" سوم - در علم کمال در سراسر کشور	" سوم - حضرتیم در جبهه شمال
" چهارم - خلاصی در رژیم مردم	" چهارم - حضرتیم در مجلس پنجم و ششم
" پنجم - در روحیه کمالی در رژیم مردم	" پنجم - سارانه در زندان در رژیم مردم
" ششم - از مصلحت‌های کمالی	" ششم - حضرتیم در جبهه در کمالی
" هفتم - حضرتیم در مجمع نجات	" هفتم - سرورم در رژیم مردم در رژیم مردم
" هشتم - ما از کم و کسر	" هشتم - انصاف بامالک ماری
" نهم - مصداق در رژیم مردم	" نهم - نصرتی من در رژیم مردم
" دهم - مرصع در رژیم مردم	" دهم - انصاف بامالک در رژیم مردم
" یازدهم - سفر مردم من از اروپا	" یازدهم - سرورم در رژیم مردم در رژیم مردم
" دوازدهم - کسب مردم در رژیم مردم	" دوازدهم - انصاف بامالک در رژیم مردم

فصل یکم

تشکیلات مملکت در رژیم قدیم

قبل از مشروطه چهار وزارت بود که بنقاط داخل و خارج از مملکت مأمور میفرستاد و کشور را اداره میکرد، بدین قرار: وزارت داخله — وزارت خارجه — وزارت جنگ و وزارت مالیه.

وزارت‌های دیگری هم وجود داشت که وابسته‌ی بعضی از آنها بودند از قبیل وزارت لشکر که وابسته‌ی وزارت جنگ بود و وزارت بقایا وابسته‌ی وزارت مالیه. وزارت‌هایی هم که وابسته نبودند در ایالات و ولایات تشکیلاتی نداشتند و فقط در مرکز انجام وظیفه مینمودند از قبیل وزارت عدلیه که در مرکز بشکایات مهم (۱) رسیدگی میکرد. ولی در ولایات رسیدگی بعموم شکایات از وظایف ولات و حکام بود و همچنین وزارت خالصه که از نظر اهمیت نان پایتخت نظم و نسق و بهره‌برداری از املاک خالصه طهران بعهدۀ آن وزارت محول شده بود که شخص بصیر و مطلعی را در رأس آن میگذاشتند که املاک مزبور را اداره کند و غلات آنها را بانبار دولتی تحویل دهد و انبار هم با بودجه‌ای که در سال بیش از چند هزار تومان نبود اداره میشد و هر وقت که بهای غلات رو بترقی بود مقداری جنس بهای کمتر از نرخ روز در میدان عرضه مینمود و از ترقی قیمت نان جلوگیری میکرد و کم اتفاق میافتاد که از کمی نان و یا بدی آن شکایت کنند.

اکنون وظایف مأمورین هر یک از وزارت‌های چهارگانه را در داخل و خارج کشور بطور اختصار شرح میدهم.

(۱) شکایت مهم از این جهت که حاکم طهران میتواند بشکایات غیرمهم رسیدگی کند و بآنها خاتمه دهد.

در وظایف مأمورین وزارت داخله

(۱) وصول مالیات اصلاً و فرعاً از وظایف ولات و حکام مستقل بود (۱) و اصل مالیاتی را میگفتند که بعد از ممیزی در جزو جمع هر محل برای یک صنف و یا یک ملک تعیین شده بود و فرع که بآن تفاوت عمل هم گفته میشد مالیاتی بود که بعد از ممیزی بواسطه ترقی قیمت اجناس و بتناسب قیمت جنس در هر محل اضافه از مالیات جزو جمعی از مودیان مالیاتی گرفته میشد که ولات و حکام مستقل موقع انتصاب خود آن را بعنوان پیشکش بخزانة دولت میپرداختند تا بعد که بمحل مأموریت خود بروند وصول کنند.

(۲) برقراری امنیت در شهرها بوسیله تشکیلات نظمی و در خارج از شهر بواسطه قراوران (امنیه).

(۳) رسیدگی بشکایات و تظلمات افراد و در صورت لزوم ارجاع متداعیین بمحضر شرع مرضی الطرفین و گرفتن $\frac{1}{10}$ مدعابه از محکوم چنانچه مدعابه نقد و یا معادل قیمت آن اگر جنس بود و گرفتن $\frac{1}{3}$ از محکوم له بشرح مذکور.

گرفتن ده یک از محکوم علیه و ده نیم از محکوم له سبب شده بود که ولات و حکام برای رسیدن بحق خود آنی در رسیدگی تأخیر نکنند و چنانچه رسیدگی بکار متداعیین در محاضر شرع قرار میگرفت تأکید کنند هر قدر زودتر نتیجهی قضاوت خود را اعلام نمایند که بواسطه قطع و فصل سریع نه فقط محکوم له بلکه محکوم علیه هم کمتر اظهار عدم رضایت مینمود چونکه دعوا خاتمه مییافت و بکارهای دیگر میپرداخت و ضرری را که متوجه او شده بود از آن طریق جبران میکرد.

سال ۱۲۹۲ که تحصیلاتم در اروپا تمام شده بود بایران آمدم شادروان حاج سید اسدالله خارقانی یکی از فقهای معروف طهران که با من سابقه داشت بدیدم آمد و صحبت از قانون موقت اصول محاکمات حقوقی که در نتیجه سعی و جدیت شادروان حسن پیرنیا مشیرالدوله از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی گذشته بود پیش آمد. فقیه مشهور نظریات مرا نسبت بقانون مزبور استفسار نمود و چون اولین قانونی بود که برای جریان کار دادگستری تصویب شده بود زبان بتعریف گشودم و خدمات پیرنیا را تقدیر نمودم که با کمال عصبانیت گفت شما دیگر چرا!! سپس

(۱) تا زمانی که تقسیمات کشور بتصویب مجلس نرسیده بود کشور ایران بچهار ایالت آذربایجان - فارس - خراسان و کرمان و عده ای ولایت مستقل تقسیم میشد. ولایات مستقل آنهایی بودند که تابع هیچیک از ایالات چهارگانه نبودند.

اظهار نمود یکی از مقررات قانون این است که از عرضحال مدعی نسخه ای برای مدعا علیه میفرستند که از تاریخ وصول تا پانزده روز باظهارات مدعی جواب بدهد. در صورتیکه طرز سابق این بود که مدعا علیه از دعوای مدعی و آنچه در عرضحال نوشته شده بود اطلاع نداشت و از علت احضار در خود جلسه استحضار حاصل میکرد و در همان جلسه میبایست جواب دهد و چنانچه اسنادی هم داشت بعد ارائه کند. اکنون از شما سؤال میکنم به بیاناتی که مدعی علیه بدین طریق مینمود بیشتر معتقدید و آن را صحیح تر میدانید یا اینکه مدعا علیه برای ناحق کردن دعوا چند روز فکر کند، با یک وکیل زبردست شور نماید، یک کلاه قانونی بسازد و آن را بسر مدعی بگذارد که چون حاق مطلب همین بود که گفت و دادگستری هم بدون آن قانون معنا نداشت سکوت اختیار نمودم و جوابی باین سؤال ندادم.

راجع بانتهای مأمورین دولت از ساکنین مرکز یا از اهل محل در آن وقت دو عقیدهی متضاد وجود داشت:

(۱) یکی این بود که مأموران ساکن طهران برای خرج سفر و تهیه مسکن و جا دچار مخارج فوق العاده میشوند و ناچارند که این قبیل مخارج و ضررهای ایام بیکاری را بمردم تحمیل کنند. در صورتیکه مأموران ساکن محل از این قبیل خرج ها ندارند و بعد از کناره جوئی از کار هم چون در محل میمانند مجبورند که با مردم بهتر سلوک کنند و در تجربه هم نشان میداد ولاتی که امور را باشخاص متوقف در محل رجوع میکردند بهتر میتوانستند از مردم جلب رضایت کنند. (۱)

(۲) عقیده دیگر اینکه انتخاب مأموران از اهل محل بواسطه سوابقشان با ساکنین محل سبب میشود که نتوانند تصمیماتی از روی بیغرضی اتخاذ کنند و در اجرای مقررات بیطرفانه رفتار نمایند و این همان عقیده ای است که قبل از مشروطه و بعد از آن در استخدام مستشاران خارجی بی تأثیر نبود.

گرچه علت استخدام مستشاران خارجی بواسطه بی اطلاعی ما از تشکیلات و مقررات ممالک غرب بود که میخواستیم این نقیصه را بوسیله استخدام آنان رفع کنیم ولی علل دیگری هم در استخدام آنها تأثیر داشت که یکی از آن عدم سابقه با اهل مملکت بود که میتوانستند بدون ملاحظه از اشخاص مقررات را اجرا نمایند که این اصل در تمام موارد صدق نمیکرد و گاه دیده میشد بواسطه تلقین زیردستان تصمیماتی برخلاف بیطرفی اتخاذ کنند و یا اینکه طول اقامتشان سبب شود عده ای دوست و آشنا پیدا کنند و

(۱) یکی از علل پیشرفت کار خود من در ایالت فارس و آذربایجان این بود که از طهران کسی را نبردم و کارها را با اهل محل رجوع میکردم.